

## برخی مسأله‌های ساختمان «حزب مردم افغانستان»

در این اواخر طرح‌های مرامنامه و اساسنامه یک حزب جدید به نام «حزب مردم افغانستان» از جانب نهضت آینده افغانستان پیش کشیده شده است. من این طرح‌ها را چندین بار مطالعه کردم، طرح‌های مذکور جامع و علمی اند و میتوانند به حیث یک اساس برای تأسیس حزب مردم افغانستان قبول گردند.

### ۱- حزب مردم افغانستان به مثابه سازمان سیاسی جدید چپ افغانی

طوری‌که در طرح‌های مرامنامه و اساسنامه حزب مردم افغانستان آمده است، این حزب خود را به حیث یک سازمان سیاسی مدافع منافع انسان زحمتکش جامعه افغانی معرفی میکند. موازین زنده گی و فعالیت حزب بر مبنای اصول جهانبینی زحمتکش (جهانبینی علمی) استوار است. در جای دیگری از طرح مذکور آمده است که حزب مردم افغانستان با توجه به دست آورد ها و اشتباه‌های گذشته، خود را ادامه دهنده راه ها و آرمان های آغازین ح.د.خ.ا. میداند. بنابراین واضح است که حزب مردم افغانستان میخواهد ب‌مثابه یک سازمان سیاسی جدید چپ در صحنه سیاسی کشور عرض اندام کند.

### چپ و راست در جامعه کنونی افغانستان:

دیدگاه های حزب مردم افغانستان درباره وضعیت عینی افغانستان نشان میدهند که نیروهای اجتماعی جامعه ما اکنون بیشتر از هر وقت دیگر به جناح های چپ و راست تقسیم شده اند. اصطلاح چپ به نیروها و گرایشهای اجتماعی-سیاسی اطلاق میگردد که از دموکراسی، آزادی، صلح، ترقی و عدالت واقعی اجتماعی دفاع میکنند و منافع این نیروها با منافع انسان زحمتکش و تحت ستم جامعه مطابقت دارد. در جامعه ما به استثنای بخش کوچکی از ثروتمندان، به ویژه آنهاييکه در دوران جهاد ثروتمند گردیده اند، بخش اعظم مردم جامعه ما با کار و زحمت زنده گی و معیشت دارند و از ثروت (سرمایه) محروم اند. احزاب، سازمانها و گروههای اجتماعی که از منافع این اکثریت نادر، زحمتکش و تحت ستم جامعه دفاع میکنند «چپ» نامیده می شوند.

طرف دیگر، نیروهایی اند که ثروتمند و حاکم اند؛ آنها از طریق درآمد های بلند و سرمایه های هنگفتی که دارند زنده گی و معیشت دارند. البته اینها عبارت اند از برخی قوماندانان جهادی، مأموران و تکنوکرات های پولدار، زمینداران بزرگ و قاچاق بران مواد مخدر و غیره.

اخیراً اثر جهانی شدن سرمایه داری، سرمایه های شرکت های خارجی به افغانستان نیز سرازیر گردیده اند، منافع اقتصادی و سیاسی همهء اینها با منافع و نیازهای انسان زحمتکش جامعهء ما مطابقت ندارد. همین مسأله باعث ایجاد جار و جنجالها و انقطاب های متعدد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در جامعه میگردد. ثروتمندان و سرمایه داران کاری میکنند که ثروتها و سرمایه های شان افزایش یافته و مصئون باشد. افزایش سرمایه های خصوصی مستلزم کار ارزان و اضافی اجتماعی است.

زحمتکشان و مزدوران افغان تلاش میکنند که نرخ کار آنها بالا برده شود تا برای زنده گی آنها کفایت نماید. آنها حقوق کامل باز نشسته گی (تقاعد) و ضمانت های اجتماعی می خواهند. البته همهء این مطالبات به شکل خودبخود و به رضای صاحبان سرمایه اجرا نگردیده، فقط با فشار دسته جمعی و اقدامات سازمان یافته و پیگیر تحقق پذیر میباشد.

ثروتمندان تمام وسایل سیاسی (ارگان قانونگذار، نیروهای امنیتی و سیاسی)، وسایل اطلاعات جمعی، از قبیل: اخبار، رادیو، تلویزیون و نشرات الکترونیک و ... وسایل علمی-تخنیکی (وسایل جدید تولید که محصول کار (تولید) را زیاد و وقت کار را کم میسازد)، در اختیار دارند و از آنها به خاطر افزایش سرمایه ها و تحکیم قدرت اقتصادی شان استفاده میکنند. اما زحمتکشان جز نیروی کار و سازمان سیاسی-اجتماعی برای دفاع از حقوق و خواست های خود چیزی دیگری ندارند.

به نیروها و گرایشهای اجتماعی-سیاسی که می خواهند در جهت افزایش و تحکیم قدرت سرمایه های خصوصی خدمت نمایند اصطلاح «راست» اطلاق میشود، یعنی نیروهایی که طرف مقابل چپ (زحمتکشان) قرار میگیرند.

بعضاً سوال میشود که آیا نیروهایی که همین اکنون مصروف پیاده نمودن دموکراسی و ارزش های جامعهء مدنی در افغانستان اند شامل کدام کته گوری اند؟ و نیروهایی که در مقابل آنها از خود مقاومت نشان میدهند کدامها یند؟

واقعاً این یک سوال پیچیده و جالب است اما پاسخ روشن دارد.

با آمدن قوتهای نظامی ناتو و امریکا، مردم افغانستان بار دیگر در یک وضعیت پیچیدهء اجتماعی-تاریخی قرار گرفته اند. سرنوشت مردم ما با سرنوشت تمام بشریت در روی زمین گره میخورد و بر مقدرات آنها نیروهای جدید جهانی مسلط میگردند. واضح است که این نیروی جدید جهانی یک نیروی کاپیتالیستی بوده و در مقایسه با ارتجاع قرون وسطایی مترقی تر و دموکرات تر میباشد. گرچه ماهیت ارتجاعی (طبقاتی) این دو واحد و همگون اند، اما ترکیب اجتماعی-اقتصادی آنها از لحاظ تاریخی متفاوت میباشد. این تفاوتها عینی و قانونمند هستند. بعضاً گفته میشود که ارتجاع، ارتجاع است چپ «نو» است و چپ «کهنه»، چپ «موضعی» است و چپ «جهانی»، چپ «ملی» است و چپ «بین المللی» همه مواضع و منافع مشترک دارند. اما این درست نیست، زیرا که ارتجاع جهانی حاکم در مقیاس تاریخی و جغرافیایی و در

مقیاس داخلی و خارجی خود یک پدیده مرکب از تضادها است. ویژه گی ها، موقعیت و عملکرد های این تضادها را باید دقیق متوجه شد.

اقدامات حاکمیت جدید، غرب و امریکا در افغانستان تا جایکه با موازین دموکراسی و ارزشهای جامعه مدنی مطابقت داشته باشند، به نفع زحمتکشان بوده می توانند مترقی تلقی گردند. آنها یکه در مقابل این اقدامات قرار میگیرند بدون شک مواضع ارتجاعی دارند. ولی ناگفته نباید گذاشت که عملکردهای امپریالیستی و نیروهای حاکم جدید که مخالف ارزشهای دموکراتیک اند چهرهء راست و ارتجاعی آنها افشا کرده و قابل تایید نمیباشد.

تا جایکه معلوم است امروز در سیاست جهانی بیشتر دست نیروهای راست محافظه کار بالاتر گردیده است، تاثیرات آن در افغانستان و سایر نقاط جهان نیز دیده میشود.

در کنفرانس بن هنگام تشکیل حکومت های موقت افغانی، حتی در موقع تشکیل ارگان های انتخابی دولت موجود، ماعلاً دیدیم که چگونه از نفوذ حداقل نیروهای چپ در حاکمیت جلوگیری به عمل می آمد. این کار کاملاً ثابت میسازد که نظام حاکم در جهان (سرمایه داری جهانی شده) می خواهد موازنهء نیروهای اجتماعی جوامع بشری، منجمله افغانستان را به نفع خود (راست جهانی) تغییر دهد و یا حداقل آنها حفظ نماید.

در چنین شرایط، طبیعی است که نیروهای واقعی چپ (مردمی) در صحنهء سیاسی افغانستان حضور ندارند و از تمام امکانات و اقدامات ملی و بین المللی در کشور تنها نیروهای راست و ثروتمندان بهره مند میگردند، نه زحمتکشان افغان. این خود عامل تداوم بی ثباتی و بحران است.

بیشتر از یک و نیم دهه است که غرب و امریکا به همکاری متحدان منطقه یی خویش مصروف به اصطلاح "نوسازی" افغانستان اند اما کار آنها در این زمینه نتایج مشخص به نفع مردم به بار نیاورده است. آنها می خواهند صرفاً در عرصه های نظامی-سیاسی در کشور سرمایه گذاری کنند؛ این کار بیشتر به نفع خودشان بوده، در زنده گی مردم ما اثر مثبت نخواهد داشت.

رشد سکتور عامهء اقتصاد (سکتور دولتی) که مهمترین منبع تأمین حقوق و تضمینهای اجتماعی مردم است، اصلاً مورد توجه قرار نمیگیرد.. دولت موجود در زمینهء وضع مالیه بر عواید و ثروت، سیاست روشن و مؤثر ندارد حتی هستند نیروها و افرادی که نمی خواهند در افغانستان مالیه جمع آوری گردد و دوباره در عرصهء امور اجتماعی و نیازمندیهای واقعی به مصرف برسد.

از آنجا که نیروهای راست حاکم در ایجاد این شیوهء کار کدام منفعت مشخص ندارند، آنها آگاهانه اخلاص میکنند.

خلاصه اینکه تداوم هرج و مرج نظامی-سیاسی در افغانستان ریشه های عمیق اقتصادی داشته و به نفع سرمایه داران بزرگ و نیروهای راست حاکم است. زحمتکشان افغانستان و نیروهای چپ جامعهء افغانی فقط در تأمین صلح و امنیت و ایجاد یک ادارهء سالم و با ثبات و دموکراتیک در کشور ذینفع اند.

گاهی چنین افاده داده میشود که تقسیم بندی جامعه به چپ و راست اصطلاحات کهنه و کلاسیک اند و در دوران «سرمایه داری جهانی شده» دیگر قابل تطبیق نمی باشند. از جانب دیگر در اروپا و امریکا امروز

جریانات بورژوازی به وجود آمده اند که مدعی نزدیک ساختن این دو گرایش اجتماعی (طبقاتی) اند و می گویند که گویا تفاوت های اجتماعی-اقتصادی میان انسان ها در نظام سرمایه داری جدید (جهانی شده) در حال از بین رفتن است و سرمایه دارد از اختیار مالکان خصوصی آن برآمده و به مالکیت عموم بشری مبدل میگردد! اما در عمل این ادعاها هنوز حقیقت تاریخی پیدا نکرده است.

برعکس تفاوتها و بحرانهای اقتصادی-اجتماعی حتی در مراکز پیشرفته سرمایه داری اکنون بیشتر از پیش شدیدتر و عمیق تر گردیده است.

تجربه افغانستان، عراق، یوگوسلاویا، کشورهای آسیای میانه، شوروی سابق، و وضع موجود روسیه و چین و برخی کشورهای اروپای غربی (فرانسه، آلمان، هالند و ...) از برکت صدور آزاد سرمایه و جستجوی نیروی ارزان کار و منابع انرژی نشان میدهد که پروسه جهانی شدن سرمایه داری که با جنگ و بیکاری کتله بی مردم توأم بوده است، صرف به نفع چند تن سرمایه دار بزرگ محافظه کار میباشد و بس. این خود انقطاب های «خاموش ساخته شده» چپ و راست جوامع پیشرفته سرمایه داری را بیشتر از پیش تشدید نموده است.

بی مورد نیست که امروز در برخی نشرات آزاد اروپایی و امریکایی این عقیده با صراحت انعکاس مییابد که موجودیت نیروهای چپ و مردمی در مقیاس ملی و بین المللی و حفظ همزیستی مسالمت آمیز آنها به حیث حامل یک الترناتیف جدید امر ناگزیر، مفید و «قانونمند» است.

با در نظر داشت همین وضعیت عینی موجود جهان و جامعه ما حزب مردم افغانستان با طرح مرامنامه و اساسنامه حاضر موضعگیری اجتماعی-سیاسی روشن چپ خود را مبنی بر دفاع از منافع انسان زحمتکش و تحت ستم افغانستان اعلام میدارد.

ادامه دارد

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)